

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

سپاس و حمد بیکران سزاوار خداوندی است که ما را نعمت عظمای کتاب قرآن بخشید و در پرتو درخشان آن رسالت حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبد الله (صلی الله علیه وآله) و ولایت و امامت مولی الكونین امام علی علیه السلام را بر امت اسلام ارزانی داشت و جان و عقول بشری را از حمایت و هدایت بی منتهای معارف دو کتاب عظیم قرآن و نهج البلاغه سیراب گردانید

احساس فزاینده تشنگی نسل جوان در کسب معارف ناب اسلام عزیز و روی آوردن به کتاب شریف نهج البلاغه در سالهای اخیر مسئولیت نهادهای فرهنگی کشور را دو چندان کرده است. این خیزش امید بخش نسل نو آینده تابناک و گسترش حقیقت معارف اسلامی را نوید می دهد

شناسایی نهج البلاغه

فصل اول : نام زیبایی نهج البلاغه

فصل دوم : چگونگی حفظ و نوشتن سخنان امام علی (ع)

فصل سوم : مشکلات جمع آوری آثار علوی

فصل چهارم : زیبایی های نهج البلاغه

شناسائی نهج البلاغه

کتاب ارزشمند و بی مانند نهج البلاغه در بردارنده برخی از سخنان و کلمات نورانی امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) است که با ذوق و عشق و هنر علامه سید رضی (رضوان الله تعالی علیه در سه فصل جداگانه تنظیم گردید و شکل و سیستم زیبایی بخود گرفت

- **فصل اول** - خطبه ها (مجموعه سخنرانی های امام علیه السلام» که ۲۳۹ خطبه است.
- **فصل دوم** - نامه ها مجموعه نامه های امام (ع) به دوستان و دشمنان و فرمانداران نظامی و استانداران و دیگر مسئولان کشوری که با عنوان الکتب یا الرسائل نیز مطرح می شوند) ۷۹ نامه می باشد.
- **فصل سوم** - کلمات کوتاه با جملات زیبای حکمت آمیزی که با نام «کلمات قصار» یا «قصار الحکم نین شهرت دارند و ۱۸۰ کلمه می باشند.

بسیاری از خطبه ها و کلمات کوتاه حکمت آمین و هما شناسنامه های امام (علیه السلام) در دوران حکومت و زمامداری تو بیان گشتند و در رابطه با مسائل مهم سیاسی اجتماعی نظامی کشور اسلامی پدید آمدند که تحقیق و بررسی در پیرامون آنها نقش تعیین کننده ای در سرنوشت جوامع اسلامی دارد.

در روزگاران گذشته سخنرانیهای ارزشمند و جالب را خطبه، و سخنور توانا را خطیب میگفتند که ایراد خطبه نوعی هنر و توانائی عقلی و علمی و سیاسی یک سخنور بحساب میآمد در کتاب نهج البلاغه این فصل با عنوان بابُ الخُطب) یا (باب المُختار من خُطب أمير المومنین علیه السلام) آمده است و دوران صدور سخن رانی های امام (علیه السلام) را میشود در موارد زیر خلاصه نمود.

الف - قبل از خلافت و زمامداری

ب - هنگامه خلافت

ج - دوران ۵ ساله زمامداری

و پیدایش حکمت های نهج البلاغه نیز به دوران ۳ گانه خطبه ها مربوط میگردد. اما نامه های موجود در نهج البلاغه تنها به دوران ۵ ساله حکومت و زمامداری امام علی (ع) اختصاص دارد که در بردارنده روشهای حکومت و مدیریت اسلامی است.

می کند و بشریت را از هرگونه گمراهی و سرگردانی نجات می دهد.

گرچه سید رضی (رحمة الله علیه) مجموعه (خطبه ها و نامه ها و کلمات کوتاه حکمت آمین را با نام نهج البلاغه راه بلاغت یا راه های بلاغت نامگذاری و معرفی نموده است اما با سیر کوتاهی در معارف بلند آن در می یابیم که این مجموعه بی نظیر را با نام های ارزنده دیگری نیز می شود مطرح کرد مانند

• نهج السَّعَادَة : راه سعادت و رستگاری

• نهج الفصاحة : راه فصاحت زیبایی و گویا بودن سخن

• نهج الخطابة : راه و روش سخنوری

• نهج السياسة : راه و روش سیاست

• نهج الحیاة : راه و روش زندگی

• نهج الحکومة : راه و روش حکومت و زمامداری

• نهج الفلاح : راه نجات و رستگاری

• نهج السلامة : راه سلامت جسم و جان و ...

مؤلف نهج البلاغه با ذوق و هنر بلاغت به سخنان امام ...

تنی به بام چرخ کان اخضر بود. بل به بامی گز فلک برتر بود مطالب و مباحث نهج البلاغه از امام معصومی است که خود فرمودند

(وَأَنَا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشَبَتْ عُروْفُهُ وَعَلَيْنَا تَهْدَلتْ عُصُونُهُ) (همانا ما فرماندهان سپاه سخن می باشیم و درخت سخن در میان ما ریشه دوانده و جا گرفته است و شاخه های تنومند آن بر سر ما گسترده و آویخته می باشد).

سید رضی یکی از دانشمندان ادیب و فقیه قرن چهارم هجری و جمع آوری کننده سخنان امام در کتاب نهج البلاغه می گوید

سخنان امام علی علیه السلام در بردارنده عجایب بلاغت و شگفتیهای فصاحت و گوهرهای درخشنده ادبیات عرب و مطالب ارزشمندی در رابطه با مسائل دینی و دنیوی است که امتیازات یاد شده در هیچ کلامی گرد نیامده است زیرا امام علی علیه السلام یگانه سرچشمه «فصاحت»

قال علی علیه السلام (رَحِمَ اللهُ رَجُلًا رَأَى حَقًّا فَأَعَانَ عَلَيْهِ أَوْرَأَى جَوْرًا فَرَدَّهُ وَكَانَ عَوْنًا بِالْحَقِّ عَلَيَّ)
(صاحبہ)

علی علیه السلام فرمودند: خدا رحمت کند کسی را که حقی را بنگرد و آن را کمک نماید و یا باطل و سستمی را مشاهده کند با آن به مبارزه پرداخته و نابودش نماید و به بازی صاحب حق برخیزد و بر ضد ستمگر قیام کند

فصل اول - تعریف حق و باطل

● الف - آنچه که وجود دارد حق است مانند ((قوانین موجود در نظام آفرینش و...)) و آنچه که وجود

ندارد و نسبت به او ادعای بی جا می کنند باطل است

● ب - آنچه که وجود دارد و باید هم وجود داشته باشد حق است مانند ((عدالت و نظم عمومی)) و

آنچه که وجود دارد و نباید وجود داشته باشد باطل است مانند «ظلم و ستم انحرافات اخلاقی تجاوزات

بشری، ادعاهای دروغین و...»

پس تعریف کامل حق در دو جمله نهفته است.

۱- وجود داشته باشد

و

۲- باید وجود داشته باشد

زیرا اگر ملاک شناخت حق تنها «وجود» باشد بسیاری از نمونه های موجود باطل را شامل می شود در صورتی

که با بهم پیوستن دو جمله فوق، هر گونه باطلی نفی می گردد.

فصل دوم

ضرورت شناخت حق و باطل

انسانها برای خودسازی و رسیدن به کمال واقعی به شناخت حق و باطل نیازمندند اگر قوانین و مقررات حاکم بر در نتیجه ضرورت شناخت حق و واقعیت ها را در موارد زیر می شود خلاصه نمود.

۱- شناخت حق و باطل برای خودسازی

۲- شناخت حق و باطل برای فردسازی

۳- شناخت حق و باطل برای ساختن جوامع بشری

۴- شناخت حق و باطل برای رشد و سعادت معنوی

۵- شناخت حق و باطل برای سلامت تن و روان آدمی

۶- شناخت حق و باطل برای برقراری ارزشهای صحیح اخلاقی

۷- شناخت حق و باطل برای آگاهی به اصول مبارزات رهایی بخش در برابر حکومت های سلطه گر

۸- شناخت حق و باطل برای جهل زدایی

حق و حقیقت یعنی بایدها و ارزشهای تکاملی

واقعیت ها یعنی مقررات حاکم بر منظومه شمسی ، طبیعت جامعه جهان نظام آفرینش.

حق یعنی قوانین و اصول تکاملی موجود در نظام هستی و آفریدگار همیشه توانا و بیدار موجودات

حق و حقیقت است که با عنوان احکام الهی ارزشهای اخلاقی، روابط صحیح انسانی، حدود و ضوابط حکومت عادلانه الهی تجلی میکند که شناخت و اطاعت از آن ضرورت دارد و چشم پوشی و بی تفاوتی در برابر حق، اثرات ناگوار و جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت.

پس در همه جا و همه چیز می شود حق را دید و جلوه های حقیقت را تماشا کرد و خود را و زندگی فردی و اجتماعی خود را با آن تطبیق نمود و همواره راه تکاملی را پیمود که امام تذکر

علل باطل گرایي

در رابطه با علل باطل گرایي و روی گردان شدن از حقیقت مباحث فراوان و عمیقی در نهج البلاغه وجود دارد که تفسیر و ارزیابی همه آنها کتاب جداگانه ای می خواهد.

اکنون با سیر کوتاهی در علل باطل گرایي برخی از آنها را مورد توجه قرار می دهیم از قبیل:

- **اول = حُبِّ حیات و علاقه به ماندن و تداوم زندگی می خواهند زندگی کنند و باشند و ماندن و بودن برای آنها اصل است در نتیجه به سکوت و سکون و سازش و تسلیم تن در می دهند و حق را با آن که می بینند و می شناسند نادیده می انگارند.**

کسی که ماندن برای او اصل است به انواع رذائل اخلاقی و دروغ و دورویی و فساد خود را عادت می دهد.

تا چند روزی باشد و زندگی کند دیگر قیام علیه ظلم و نابرابری...